

Akhlaq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e11

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Observance with the Principle non Bis in Idem in the Disciplinary Violations of Medical Staff; A Moral or a Legal Necessity

Hakime Farnam¹, Mohammad Ali Mahdavi Sabet^{1*}, Mohammad Ashouri¹, Ali Saffari²

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The principle non bis in idem is one of the principles of fair proceedings in criminal proceedings, which, according to modern criminal law and the emergence of the concept of "criminal matters" in the practice of the European Court of Human Rights, can be extended to administrative and disciplinary violations as well. Doctors, dentists, pharmacists, nurses, midwives and other professions related to medicine may commit disciplinary, punitive, insurance, administrative and criminal offenses, each of which has its own laws as possible. It is possible for a doctor to be included in the mentioned various titles and bear many punishments due to a single action. The purpose of this research is to examine the ways out of this unfair and even immoral approach by resorting to existing humanitarian and fair legal solutions, especially the principle non bis in idem.

Methods: The method of collecting information in this research is a library and the contents have been analyzed in a descriptive way.

Ethical Considerations: In this article, the ethical principles of writing, including trustworthiness, honesty and originality of the text, have been observed.

Results: Examining the laws and regulations related to the medical profession shows that the aforementioned principle has not been observed regarding the disciplinary violations of doctors and allied professions, and in terms of the variety and number of violations counted in the regulations of this profession, the employees of this profession, have been subjected to disrespect and lack of fairness.

Conclusion: Compliance with the principles and rules of humanitarian and fair proceedings, especially the principle of prohibition of re-trial and re-punishment, with the solutions proposed by the researcher, can compensate this shortcoming well.

Keywords: The Principle non Bis in Idem; Disciplinary Violations; Doctor; Ethics

Corresponding Author: Mohammad Ali Mahdavi Sabet; **Email:** ali@mahdavi.fr

Received: February 27, 2023; **Accepted:** April 23, 2023; **Published Online:** October 22, 2023

Please cite this article as:

Farnam H, Mahdavi Sabet MA, Ashouri M, Saffari A. Observance with the Principle non Bis in Idem in the Disciplinary Violations of Medical Staff; A Moral or a Legal Necessity. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e11.



رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در تخلفات انتظامی کادر درمان؛

ضرورتی اخلاقی یا حقوقی

حکیمه فرنام^۱، محمدعلی مهدوی ثابت^{۱*}، محمد آشوری^۱، علی صفاری^۲

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اصل منع محاکمه و مجازات مجدد یکی از اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های کیفری است که با توجه به حقوق کیفری مدرن و پیدایش مفهوم «قلمرو کیفری» در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، قابل تسری به تخلفات اداری و انتظامی نیز هست. پزشکان، دندان‌پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و سایر حرفه‌های مرتبط با پزشکی به مناسبت حرفه و نیز سمت خود ممکن است مرتکب تخلفات انتظامی، تعزیری، بیمه‌ای، اداری و کیفری شوند که هر یک قوانین خاص خود را دارد، به گونه‌ای که ممکن است یک پزشک به واسطه عمل واحد، مشمول عناوین مختلف مذکور قرار گیرد و مجازات‌ها و تنبیهات متعددی را تحمل نماید. هدف این پژوهش بررسی راهکارهای برون‌رفت از این رویکرد غیر منصفانه و حتی غیر اخلاقی با توسل به راهکارهای حقوقی بشردوستانه و منصفانه موجود، به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد است.

روش: روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و مطالب به روش توصیفی، تحلیل شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در مقاله حاضر، اصول اخلاقی نگارش شامل امانتداری، صداقت و اصالت متن رعایت گردیده است.

یافته‌ها: بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با حرفه پزشکی، مبین این است که نه تنها اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در مورد تخلفات انتظامی کادر درمان رعایت نشده است، بلکه به لحاظ تنوع و تعدد تخلفات احصاشده در مقررات این حرفه، شاغلین این حرفه، مورد بی‌مهری و عدم رعایت انصاف قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: رعایت اصول و قواعد دادرسی حقوقی بشردوستانه و عادلانه به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، با اعمال راهکارهای پیشنهادی در این تحقیق، می‌تواند این نقیصه را به خوبی جبران نماید.

واژگان کلیدی: اصل منع محاکمه و مجازات مجدد؛ تخلفات انتظامی؛ پزشک؛ اخلاق

نویسنده مسئول: محمدعلی مهدوی ثابت؛ پست الکترونیک: ali@mahdavi.fr

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Farnam H, Mahdavi Sabet MA, Ashouri M, Saffari A. Observance with the Principle non Bis in Idem in the Disciplinary Violations of Medical Staff; A Moral or a Legal Necessity. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2023; 13(38): e11.

مقدمه

نتیجه مهم شناخت قلمرو کیفری و معیارهای شناسایی آن، که یکی از دستاوردهای مهم حقوق بشر نوین و از عناصر مهم اعمال ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، این است که تخلفات انضباطی و اداری، الزاماً غیر کیفری و خارج از حمایت ماده ۶ کنوانسیون مذکور نیستند (۱).

مقوله‌های غیر کیفری از نظر تضمین‌های معمول برای متهم در آیین دادرسی کیفری مشابه مقوله کیفری تلقی می‌شوند (۲). تخلفاتی وجود دارد که خارج از مجموع قوانین کیفری بوده و یا اساساً جرم‌انگاری نشده است و یا در قوانین خاص مربوط به تخلفات اداری یا انضباطی قرار گرفته‌اند، اما ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده برای آن‌ها به ضمانت اجرای کیفری شباهت داشته و دارای وصف کیفری و سرکوبگر است. این دسته از ضمانت اجرای غیر مستقیم داخل در قلمرو کیفری است و مقوله غیر کیفری با ضمانت اجرای سرکوبگر شناخته می‌شوند. تخلفات اداری و انضباطی به موجب قوانین خاص تعیین و مشخص شده‌اند، مانند تخلفات مالیاتی، نظامی، پزشکی، کارمندی و کارگری که برای آن‌ها ضمانت اجرای متناسب در نظر گرفته شده است و برخی از آن‌ها را می‌توان وارد قلمرو کیفری کرد (۱). با این مقدمه می‌توان گفت موازین حقوق بشری ایجاب می‌کند تا شخص مظنون به تخلف غیر کیفری، فقط به دلیل اینکه ضمانت اجرای آن شبیه ضمانت اجرای کیفری است، از تمامی حقوقی که یک متهم به ارتکاب جرم دارد، بهره‌مند شود و از تضمینات دادرسی عادلانه استفاده کند (۳). یکی از این تضمینات، اصل منع محاکمه و مجازات مجدد است (۴).

اصل منع محاکمه و مجازات مجدد از قواعد مهم دادرسی کیفری در نظام‌های کیفری ملی و بین‌المللی است و انعکاس همان قاعده سنتی اعتبار امر مختومه کیفری است که با حصول سه شرط وحدت اصحاب دعوا، وحدت موضوع و وحدت سبب، قابل اعمال است.

امروزه در خصوص اعمال اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در مجازات‌های کیفری، مخالفی وجود ندارد و حداقل به لحاظ

تئوری می‌توان به مواد ۵ و ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که به طور ضمنی حاکی از پذیرش این اصل هستند، اشاره کرد، اما آنچه به جهت انجام و اعمال آن در این پژوهش، بدیع محسوب می‌شود، اعمال این قاعده و سرایت آن به تخلفات اداری و انتظامی، از جمله تخلفات انتظامی در حوزه پزشکی است که تاکنون مسبوق به سابقه نبوده و پیشینه‌ای نداشته است، هرچند برخی اساتید برجسته آیین دادرسی کیفری، اعمال مجازات‌های انتظامی و اداری در کنار مجازات‌های کیفری را امری بدیهی دانسته و به دلیل این که منشأ آن‌ها تخلف صنفی است، وارد قلمرو کیفری ندانسته‌اند، در حالی که اصل کرامت و حیثیت انسانی و حمایت از حقوق بشر که هدف تصویب میثاقین بین‌المللی و بسیاری اعلامیه‌های حقوق بشر و شهروند و نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد ضرورت چنین تسری را آشکار می‌نماید، فلذا شایسته است بررسی‌های لازم در خصوص امکان اعمال اصل منع محاکمه و مجازات مجدد انجام شود تا از موازی کاری مراجع مختلف قضایی و غیر قضایی جلوگیری شده و انصاف و عدالت نیز در مورد متخلفین بیش از پیش رعایت گردد. هدف این پژوهش دستیابی به اجماع و رویه واحد در رسیدگی به جرائم و تخلفات در محاکم ایران و الزام به رعایت اصول دادرسی عادلانه در کلیه مراجع رسیدگی اعم از قضایی و شبه‌قضایی، ایجاد مقررات واحد و مشترک آیین رسیدگی به کلیه جرائم و تخلفات و الغای کلیه قوانین کیفری و غیر کیفری پراکنده‌ای که منجر به محاکمه مجدد مرتکبین جرائم و تخلفات می‌شوند، پیشگیری از موازی کاری مراجع قضایی و شبه‌قضایی در مواجهه با رفتار مرتکبینی که عمل واحد ایشان دارای عناوین مختلف کیفری و غیر کیفری است و صرفه‌جویی در هزینه و زمان می‌باشد.

دیوان اروپایی حقوق بشر با ارائه مفهوم «قلمرو کیفری»، اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را قابل تسری به تخلفات اداری و انتظامی، دانسته است، اما رویه دیوان در عمل، پیوسته یکسان نبوده و شاهد صدور آرای متفاوتی در این خصوص هستیم (۵). در پرونده دو پزشک متخلف علیه دولت فرانسه در ۲۰۲۰، تنبیه انتظامی

آن‌ها را مکمل مجازات کیفری دانسته است (۶)، در حالی که قبلاً در پرونده‌های متعدد دیگر از جمله زولوتوخین (Zolotukhin) علیه روسیه در ۲۰۰۹ (۷)، گراندیه (Grande) و دیگران علیه ایتالیا در ۲۰۱۴ (۸) و دیدیه (Didier) علیه فرانسه در ۲۰۰۲ (۹) و به طور کلی همه مواردی که جریمه قابل توجهی توسط یک مقام اداری اعمال می‌شود (۱۰)، با اعمال اصل منع محاکمه و مجازات مجدد مندرج در ماده ۴ پروتکل ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به نفع شکات مذکور حکم داده است.

روش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و مطالب به روش توصیفی، مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با حرفه پزشکی، مبین این است که نه تنها اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در مورد تخلفات انتظامی کادر درمان رعایت نشده است، بلکه به لحاظ تنوع و تعدد تخلفات احصاشده در مقررات این حرفه، شاغلین این حرفه، مورد بی‌مهری و عدم رعایت انصاف قرار گرفته‌اند.

بحث

در حقوق ایران، بررسی مقررات اصناف و مشاغل مختلف از جمله پزشکان و سایر حرفه‌های وابسته، مبین دیدگاه مکمل تلقی کردن تنبیهات انتظامی نسبت به مجازات‌ها و عدم رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد است، حتی در مقررات داخلی مربوط به حرف پزشکی، مواد قانونی مغایر با این اصل به چشم می‌خورد. برای مثال می‌توان به ماده ۱۲۱ قانون آیین رسیدگی دادسراها و هیأت‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۹۰ اشاره کرد که مقرر می‌دارد «چنانچه رییس کل سازمان، آرای قطعی هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی را خلاف قانون تشخیص دهد، می‌تواند از هیأت عالی انتظامی درخواست بررسی مجدد پرونده را نماید.» نگارنده در این

پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا ضرورت رعایت اصول حقوقی بشردوستانه و همچنین رعایت اخلاق و انصاف، ایجاب نمی‌کند که دیوان اروپایی حقوق بشر و مراجع قضایی و شبه‌قضایی ملی، رویه واحدی در راستای اجرا و اعمال اصول دادرسی عادلانه به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، اتخاذ نمایند؟ به ویژه در مواردی که عمل واحد مرتکب، عناوین متعدد مجرمانه، تخلف اداری، انتظامی و در خصوص پزشکان و سایر حرفه‌های وابسته، حتی مشمول عناوین تخلفات بیمه‌ای نیز می‌گردد و مجموع تنبیهات و مجازات‌هایی که در انتظار فرد است، به دلیل عدم رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، غیر منصفانه و ناعادلانه و غیر اخلاقی می‌نماید. برای پاسخ به این سؤال ضروری است ابتدا برخی از اصول دادرسی عادلانه حاکم بر رسیدگی به تخلفات انتظامی برآمده از متون قانونی بشردوستانه بین‌المللی و منطقه‌ای، هرچند به اختصار، بررسی شوند. این اصول، در دو دسته اصول ماهوی و شکلی قابل تقسیم هستند که اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در دسته اصول شکلی جای می‌گیرد.

۱. اصول دادرسی عادلانه حاکم بر تخلفات انتظامی:

تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع این‌ها اصول و مقرراتی هستند که حافظ نظم و نهایتاً بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است. از این رو در حالی که تقصیر کیفری متضمن نقض قوانین کیفری است که جنبه عمومی دارند، تقصیر انتظامی عبارت است از نقض قواعد خاص گروه‌های کوچک اجتماعی یا حرفه‌ای بدون آنکه عمد یا سهوی در ارتکاب آن شرط باشد (۱۱).

اگرچه منشأ پیدایش تخلفات انتظامی، پیدایش نهادهای قضازدایی، کیفرزدایی و جرم‌زدایی بوده است، این امر مانع از اعمال اصول نهادینه شده و ضروری حقوق کیفری در این نوع تخلفات چه در تعیین تخلف و ضمانت اجراها و چه در زمینه رسیدگی به دعاوی مرتبط با آن، نمی‌باشد و رعایت انصاف و عدالت ایجاب می‌نماید، اصول زیر که با اصول حاکم بر جرائم و مجازات‌ها مشترک است، مد نظر قرار گیرد.

۱-۱. اصول ماهوی حاکم بر تخلفات انتظامی: برخی اصول نهادینه شده و ضروری حقوق کیفری که در تعیین تخلفات و ضمانت اجراهای انتظامی نیز باید رعایت شود عبارتند از:

۱-۱-۱. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (تخلفات و تنبیهات): فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه قبیح و برای جامعه، مضر باشد، تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون جرم شناخته نشده است، مباح است. بنابراین تحقق جرم منوط به نص صریح قانون است. مهم‌ترین خصوصیات این اصل اینکه در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا، اعتبار قانون اساسی را کسب کرده است و در دادگاه‌های صیانت قانون اساسی، مکرراً مورد تأکید قرار گرفته و حتی شامل سایر ضمانت اجراها مثل حقوق اداری هم شده است (۱۲).

۱-۱-۲. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و مجازات (تنبیهات): در دوره قصاص یا مقابله به مثل پذیرفته شد که صرفاً خود مرتکب مجازات شود. بدیهی است وقتی بحث قصاص مطرح می‌گردد، در حقیقت شخصی شدن مجازات مطرح است، یعنی اینکه مجازات به شخص مجرم بار می‌شود و بقیه افراد خانواده یا وابستگان جانی از مجازات به طور مستقیم، در امان هستند (۱۳). این در حالی است که «جمعی بودن مسئولیت»، از خصوصیات غالب دوره انتقام خصوصی بود و اگر فردی مرتکب جرم می‌شد، نه تنها خود او، بلکه خانواده و گاه قبیله یا عشیره او نیز مورد تهاجم قرار می‌گرفتند (۱۴).

بنابراین اصل شخصی بودن مجازات‌ها یکی از اصول اساسی حقوق کیفری است و امروزه برخلاف دوران‌های قدیم، مجازات به بستگان و نزدیکان مجرم تسری نمی‌یابد، بلکه تنها خود اوست که مجازات می‌شود (۱۵).

۱-۱-۳. اصل منع تبعیض (اصل حمایت برابر قانون از افراد یا اصل تساوی): برابری از دیدگاه حقوق بشر به معنای تساوی همه در برابر قانون و مورد حمایت یکسان قانون بودن است که در مواد اول و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان اشاره شده است (۱۶). اصل تساوی مردم در برابر قانون علاوه بر اینکه مبنای عقلی و منطقی دارد از اصول متعدد قانون

اساسی جمهوری اسلامی نظیر بند ۱۴ اصل سوم، اصول ۱۹، ۲۰، ۱۰۷ و ۱۴۰ قابل استنباط است (۱۷).

با توجه به این اصل همه اشخاص باید به طور برابر و یکسان از منافع، مزایا و تکالیف ناشی از خدمات عمومی و هزینه‌های عمومی برخوردار گردند که به منظور تأمین منافع عموم ایجاد شده‌اند و نباید ملاک‌های نژادی، قومی، عقیدتی و سیاسی مبنای برخورداری یا حق تقدم افراد در استفاده از این خدمات شود (۱۸).

۱-۱-۴. اصل قانونی بودن صلاحیت مرجع رسیدگی: حقوقدانان کیفری ضمن پذیرش اصل قانونی بودن ناظر به جرم‌انگاری و کیفرگذاری، بر ضرورت ابتنای آیین دادرسی کیفری (حقوق کیفری شکلی) بر قانونی مقدم بر تعقیب، تحقیق و رسیدگی نیز تردید ندارند، چراکه اولاً به جهت جلوگیری از هرج و مرج و اعمال سلاقی شخصی منتج به مخاطره افتادن امنیت شهروندان و حتی کل نظام سیاسی؛ ثانیاً به این دلیل که «عدالت کیفری» را باید در آیین دادرسی کیفری جستجو کرد، از اهمیت زیادی برخوردار است (۱۹).

۱-۱-۵. اصل منع مداخله در حریم خصوصی: حق بر حریم خصوصی که در اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی و نیز ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بدان اشاره شده، در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد، لذا حمایت از شخصیت انسانی، مستلزم حمایت از حریم خصوصی است و حمایت از حریم خصوصی به تکریم شخصیت انسان و به تعبیر دیوان اروپایی حقوق بشر به تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان می‌انجامد (۲۰). بنابراین نقض حق حریم خصوصی افراد مسئولیت اخلاقی و نیز کیفری به همراه دارد. مسئولیت کیفری متوجه افرادی است که مرتکب جرائمی نظیر هتک حرمت مراسلات، هتک حرمت اشخاص، افشای اسرار و... می‌شوند.

۱-۱-۶. اصل تناسب جرم و مجازات (تناسب تخلف و تنبیه): اگر قرار باشد «دو جرم را که زیان آن به جامعه یکسان نیست، به یک نسبت کیفر دهند، مردمان مانعی قوی‌تر بر سر راه خود نمی‌یابند تا آنان را از ارتکاب جرم بزرگ‌تری که فایده

بیشتری نصیبتان می‌کند، باز دارد» (۲۱). بنابراین «باید مجازات‌ها با یکدیگر هماهنگ و متناسب باشند. این موضوع امری ضروری است» (۲۲).

با استفاده از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، می‌توان تناسب را اعمال و اجرای تدابیری دانست که با لحاظ اوضاع و احوال موجود از آنچه که ضروری است فراتر نرود (۲۳). در رابطه با این اصل نکات مهمی وجود دارد، از جمله اینکه این قاعده فقط ناظر به حوزه امور کیفری نیست (۲۳). بنابراین در رسیدگی به تخلفات انضباطی نیز قابل تسری است.

عدم رعایت تناسب، یکی از دلایل اصلی نقض آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در دیوان عدالت اداری و هیأت عالی نظارت به شمار می‌رود. در تخلفات اداری و انتظامی، قانونگذار باید به لحاظ شدت و ضعف و آثار زیانبار هر تخلفی، مجازات مناسب با آن را پیش‌بینی کند (۲۴).

۱-۷. اصل مستدل و مستند بودن تصمیم: مرجع قضایی هر تصمیمی اتخاذ می‌نماید، هر دستوری می‌دهد و هر رأیی انشا می‌کند، باید موجه و مستدل بوده، مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر می‌شود (اصل ۱۶۶ قانون اساسی) (۲۵). منظور از واژه «مستدل» در قوانین، یعنی متکی بر دلیل بودن. مقصود از دلیل امری است که اصحاب دعوی برای اثبات و یا دفاع از دعوی به آن استناد می‌نمایند. ادله اثبات دعوی به موجب قوانین موجود عبارتند از اقرار، اسناد، شهادت، امارات، قسم، معاینه محلی، تحقیق محلی و رجوع به کارشناس (۲۶).

۱-۲. اصول شکلی: برخی اصول دادرسی عادلانه کیفری که در زمینه نحوه رسیدگی به تخلفات نیز باید رعایت گردند، عبارتند از:

۱-۲-۱. اصل دسترسی به مرجع دادخواهی: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. این اصل در مقررات بین‌المللی از جمله ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و در حقوق ایران مطابق اصل ۳۴ قانون

اساسی، مورد تأکید قرار گرفته است. ضمانت اجرای این اصل در ماده ۵۹۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، پیش‌بینی شده است (۱۷).

با عنایت به این حق، دولت‌ها چهار وظیفه دارند: نخست تکلیف به ایجاد دادگاه‌هایی با صلاحیت تام برای رسیدگی شکلی و ماهوی به هر قضیه؛ دوم تکلیف دادگاه به اتخاذ تصمیمی موجه؛ سوم رفع تشریفات زائد برخی حقوق‌های ملی که مانع حق دسترسی به یک قاضی هستند؛ چهارم تکلیف به فراهم کردن هرگونه تسهیلات لازم برای دسترسی شهروندان به عدالت (۱۹). دسترسی به عدالت به مثابه یک اصل هم در معنای حق دسترسی به عدالت (حق دادخواهی) و هم به قاعده دسترسی به مرجع عمومی تظلمات در نظام حقوقی ما پذیرفته شده است (۲۷).

۱-۲-۲. فرض برائت و بی‌گناهی متهم: تاریخ بیانگر این حقیقت تلخ است که در گذشته‌های نه چندان دور، فرض برائت متهمین، لاقدر در پاره‌ای از اتهامات، پذیرفته نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی بر ارائه دلیل کافی علیه متهم، اثبات بی‌گناهی بر عهده خود متهم بوده است (۲۸).

در حقوق ایران، مطابق اصل ۳۷ قانون اساسی اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

بعضی از حقوقدانان و نویسندگان نیز اصل برائت را ذیل مباحث امنیت قضایی به عنوان یکی از حقوق لازمه کرامت انسان در قانون اساسی و قوانین کیفری ایران آورده‌اند (۲۹).

در حقوق ایران، اصل رعایت حقوق دفاعی متهم همچنین تفهیم اتهام و استفاده از معاضدت و دانش حقوقی - فنی وکیل در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی نهایی از آثار مهم این فرض، تلقی می‌گردد (۳۰). همچنین نخستین و مهم‌ترین اثر اصل برائت در تکلیف مقام تعقیب به تحصیل ارائه دلیل و اثبات بزه انتسابی به متهم، نهفته است. به این معنا که نه تنها بار دلیل بر عهده مقام تعقیب، یعنی دادرسی یا شاکی نهاده شده، بلکه شیوه تحصیل آن نیز باید با توسل به

شیوه‌های صحیح قانونی و منطبق بر اصول اخلاقی و ضوابط حاکم بر ضرورت رعایت حق کرامت انسانی، به عمل آید (۳۰). به طور کلی می‌توان برخی از آثار فرض برائت را ناظر به حق دفاع متهم و ترتیب‌دادن یک دادرسی منصفانه و برخی دیگر را مرتبط با آزادی متهم و رعایت حیثیت و کرامت افراد دانست (۳۱).

۱-۲-۳. اصل تعدد مقام رسیدگی‌کننده: دانایان حقوق جزا برای دادرسی‌های کیفری با روش تعدد قاضی، اهمیت و اعتبار خاصی قائل‌اند، چراکه سیستم تعدد قاضی، مانع از اشتباهات قضایی است و یا آن را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد.

همچنین اختیار فوق‌العاده دادرسی در اتخاذ تصمیم و ارزیابی دلایل را که خطر اجتماعی و قضایی فراوان دربر دارد، تعدیل می‌نماید. اغلب حکم صادره از هیأت قضات، به لحاظ اجتماعی، بااهمیت‌تر و معتبرتر از حکم قاضی واحد تلقی می‌شود و افراد جامعه با احترام به آن می‌نگرند. همچنین به لحاظ جلوگیری از نفوذ قوه مجریه بر قوه قضاییه، مصونیت ایجاد می‌کند و مانع بسیاری از اعمال نفوذها خواهد بود (۳۲). در حال حاضر به موجب ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه کیفری یک و به موجب ماده ۲۹۷ قانون مازالذکر، دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون با حضور یک رییس و دو مستشار تشکیل می‌شوند. به موجب ماده ۲۹۸، دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود. با این توضیح که در دادگاه اطفال و نوجوانان با اتخاذ روش وحدت قاضی، تنها یک قاضی حضور دارد، ولی در دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان از روش تعدد قاضی، پیروی شده است (۳۰).

۱-۲-۴. اصل رسیدگی دو درجه‌ای: این قاعده به معنی امکان رسیدگی متوالی به ماهیت یک قضیه از طرف دو دادگاه با درجات مختلف است. رسیدگی دو درجه‌ای باعث می‌شود که اجتناب از اشتباه قضایی و اتخاذ تصمیمی که مطابقتش با حقیقت مطمئن‌تر است، امکان‌پذیر گردد، زیرا فرض بر این

است که دادگاه عالی‌تر، از قضات متعددی تشکیل شده که تجربه بیشتری دارند.

در حقوق ایران، روش‌های اعتراض موجود در سایر کشورهای متمدن جهان پذیرفته شده و به تبع آن اعتراض بر احکام به دو دسته مهم طرق عادی اعتراض بر احکام و طرق فوق‌العاده اعتراض بر احکام تقسیم می‌شود (۳۳).

۱-۲-۵. اصل منع محاکمه و مجازات مجدد: اگرچه اقتضای عدالت و انصاف این است که هر مجرمی که امنیت جامعه را به خطر انداخته و نظم عمومی را به هم زده است، بدون مجازات نماند، بلکه عدالت و انصاف حکم می‌کند مجرمی که به دلیل زیرپا گذاشتن قواعد قرارداد اجتماعی، مجازات گردیده برای همان جرم مجدداً متحمل کیفر نگردد. این ممنوعیت، یادآور قاعده مهمی در آیین دادرسی کیفری، با عنوان اعتبار قضیه قضاوت‌شده کیفری است.

قضیه قضاوت‌شده به وسیله یک دادگاه کیفری، در برابر سایر دادگاه‌های کیفری اعتبار منفی دارد (۳۴)، بدین معنی که سایر دادگاه‌های کیفری دیگر نمی‌توانند علیه آن شخص، همان اعمالی را که به طور قطعی مورد حکم واقع شده‌اند، رسیدگی نمایند. به موجب این اصل، اعمال مجرمانه‌ای که موضوع تصمیمات کیفری غیر قابل تجدید نظر هستند، دیگر نمی‌توانند در دادگاه کیفری تحت تعقیب درآیند (۳۵).

اگرچه برای جلوگیری از اشتباه‌های قضایی و به حداقل‌رسانیدن آن‌ها، چاره‌اندیشی‌ها شده و راه‌حلهایی نظیر روش دو مرحله‌ای بودن رسیدگی‌های کیفری، سیستم تعدد قاضی، انجام تحقیقات مقدماتی از سوی دادرس، شناسایی حق واخواهی برای محکوم‌علیه غیابی، تجویز اعاده دادرسی و تجدید نظر و نظارت شکلی دیوان عالی کشور بر احکام و قرارها، ارائه گردیده تا هیچ بی‌گناهی به ناحق مجازات نشود و هیچ مجرمی از چنگال عدالت فرار نکند، اما با وجود تمام پیش‌بینی‌های لازم باز هم ممکن است که حکم یا قرار، به طور اشتباه صادر شود. با این همه، مصلحت جامعه و اخلاق اقتضای آن را دارد که روزی ترافع پایان پذیرد و دیگر نتوان متهم یا محکوم‌علیه را برای همان عمل مورد پیگیری قرار داد،

هرچند آن عمل با عنوان و کیفیات دیگر تطبیق شود. بنابراین در صورت صدور حکم یا قرار قطعی درباره یک جرم، طرح دعوی عمومی جدید نسبت به آن ممکن نیست و مراجع کیفری دیگر حق رسیدگی مجدد را ندارند و مکلفند نسبت به آن قرار موقوفی تعقیب صادر نمایند (۳۲).

پایه و اساس اعتبار امر مختوم، اماره قانونی صحت احکام است که به موجب آن، چنین فرض می‌شود که احکام و قرارهای قطعی، صحیح و منطبق با واقعیت هستند.

علاوه بر فرض صحت احکام، فروض دیگری از قبیل «اسقاط حق اقامه دعوی»، «قدرت قضایی محاکم»، «ضرورت مقدس انگاشتن آرای دادگاه‌ها» و نیز «اعتبار متقابل محاکم» و «ضرورت پایان یافتن دعوا» و سرانجام «حفاظت افراد جامعه از خطرهای تعقیب مجدد» برای توجیه اعتبار امر مختوم کیفری، مورد استناد حقوقدانان و قانونگذاران قرار گرفته است (۳۶).

برای اینکه امر کیفری، قابلیت ایراد و استناد به قضیه قضاوت شده (محکوم بها) را داشته باشد، وجود شرایطی بین دو دعوای اولی و ثانوی ضرورت دارد. این شرایط عبارتند از: وحدت موضوع، وحدت طرفین و وحدت سبب (۳۶).

در ایران، مواد ۵ و ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به طور ضمنی بیانگر پذیرش این قاعده است.

۱-۲-۶. ممنوعیت تشدید مجازات در مرجع عالی:

حقوقدانان ممنوعیت تشدید وضعیت متهم در مرحله تجدید نظر را تحت قاعده منع اصلاح به ضرر پژوهش خواه بیان می‌کنند و معتقدند که شکایت استینافی متهم نباید به ضرر او تمام شود. محدودیت مذکور بر این پایه استوار است که متهم با دریافت مجازات خفیف‌تر در مرحله بدوی، یک نوع حق مکتسب تحصیل کرده و نمی‌توان این حق مکتسب را از او سلب کرد، مگر به سبب قانونی. مبنای این حق مکتسب، در احترامی است که قانونگذار برای متهم در نظر گرفته است. به این معنا که قانونگذار می‌خواهد اعلام کند که صرفاً در مقام انتقام‌جویی از متهم نیست و آنچه را دادگاه بدوی برای وی تعیین کرده، محترم می‌دارد. به عکس، اگر این مجازات به نظر

دادگاه تجدید نظر نامتناسب جلوه نماید، دادگاه مزبور می‌تواند آن را تخفیف دهد، اما حق تشدید آن را ندارد (۳۷).

هرچند پس از بررسی اصول دادرسی منصفانه و تطبیق آن‌ها در روند دادرسی هیأت‌های انتظامی پزشکی می‌توان بیان داشت که تحول و پیشرفت به سوی حمایت قضایی مؤثر از حقوق بشر با استفاده از یک آیین دادرسی مناسب و منصفانه بسیار چشم‌گیر بوده است و در مقایسه با روند دادرسی در سایر محاکم اداری در کشور، دادرسی در هیأت‌های انتظامی پزشکی از تضمینات اصول دادرسی منصفانه بیشتری برخوردار است (۳۸)، اما نتیجه پژوهش‌های دیگر از منظر آسیب‌شناسی مبین آن است که در فرآیند رسیدگی، رعایت‌نشدن اصول دادرسی عادلانه از سوی هیأت‌ها شامل رعایت‌نشدن تشریفات مربوط به ابلاغ اتهام، عدم استماع دفاعیات حضوری متهم، مستند و مستدل‌نبودن آرا، رعایت‌نشدن قواعد رسیدگی به اتهامات جدید توسط هیأت تجدید نظر و عدم رسیدگی در مدت معقول و منطقی، رعایت‌نشدن اصول مربوط به مجازات‌های اداری از حیث عدم تناسب مابین تخلف و مجازات و نیز تشدید و اعمال بیش از یک مجازات (علیرغم تصریح بند «و» ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری)، از آسیب‌ها و علل نقض آرای هیأت‌ها در دیوان عدالت اداری به شمار می‌رود (۲۴).

اعمال اصول دادرسی عادلانه به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در رسیدگی‌های اداری و انتظامی آنگاه از ضرورت، اهمیت و حساسیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار خواهد بود که با توجه به مصادیق تخلفات و ضمانت اجراها (تنبیهات) مندرج در قوانین برای یک صنف نظیر پزشکی و حرفه‌های وابسته به آن، دریابیم که از برخی معیارهای شمول «قلمرو کیفری» مدرن، از جمله «شدت ضمانت اجرا» برخوردار است، به نحوی که در شمول قلمرو کیفری بوده و باید از تضمینات اساسی این قلمرو، برخوردار باشد. بدین‌منظور در این قسمت از مقاله با لحاظ اختصار به برخی از مصادیق تخلفات انتظامی پزشکان و حرفه‌های مرتبط و تنبیهات آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. مصادیق تخلفات انتظامی پزشکان و حرفه‌های مرتبط و ضمانت اجرای آن: تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ تنبیهات و مجازات‌های انتظامی پزشکان و سایر حرفه‌های وابسته به پزشکی را از بند «الف» تا «ز» از خفیف به شدید به شرح زیر مقرر نموده است:

تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیأت مدیره نظام پزشکی محل، اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل، توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب تخلف، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور، محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور.

از میان تنبیهات فوق، توبیخ کتبی با درج در نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل، با مجازات‌های کیفری سالب حیثیت نظیر انتشار حکم محکومیت به کلاهبرداری در روزنامه کثیرالانتشار، با توجه به جایگاه اجتماعی و شأن مرتکب (پزشک، پرستار، داروساز، دندان‌پزشک و...) چنانچه برابری نکند، کمتر نیست. بنابراین همانطور که در تعیین و اعمال مجازات‌های سالب حیثیت برای مرتکبین جرائم، حساسیت و وسواس به خرج داده می‌شود، به طریق اولی بایست برای متخلفین انتظامی و انضباطی نیز احتیاط کافی و لازم مصروف گردد و اصول دادرسی عادلانه به طور کامل رعایت گردد.

به اعتقاد برخی حقوقدانان انتشار حکم محکومیت و معرفی محکوم‌علیه به عموم مردم از این حیث که رسواکننده است، کیفری است، اما از این حیث که مردم در مناسبات و مراودات خود با محکوم‌علیه، احتیاط بیشتری می‌کنند، پیشگیرنده است (۳۹) و در هر حالت نیازمند رعایت اصول حقوقی بشردوستانه از جمله اصل منع محاکمه و مجازات مجدد است.

مطابق بند «الف» ماده ۳۷ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۹۰، برخی تخلفات پزشکی مستوجب تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیأت مدیره نظام پزشکی محل و یا اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل بر اساس شرایط و اهمیت تخلف مذکور عبارتند از:

افشای اسرار و نوع بیماری بیمار، ایجاد رعب و هراس در بیمار با تشریح غیر واقعی وخامت بیماری یا وخیم‌جلوه‌دادن بیماری، عدم ادامه درمان بیمار خود در حد توانایی و تخصص به استثنای موارد ضروری و...

به نظر می‌رسد تناسب بین تخلف و تنبیه در برخی موارد بند «الف» رعایت نگردیده است، اما از آنجا که بررسی اصل تناسب موضوع اصلی این مقاله نیست در مجالی دیگر بدان پرداخته می‌شود.

از تنبیهات دیگر، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب تخلف و یا محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور و و نهایتاً محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور می‌باشد که هم پایه مجازات‌های محرومیت و یا ممنوعیت از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین است.

هدف مهم ممنوعیت شغلی، پیشگیری از تکرار جرم است و با برکنارکردن فرد از شغلی که فعالیت مجرمانه او را تسهیل می‌کند، بیش از همه به اقدام تأمینی شباهت دارد (۳۹). آنگاه که افراد مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی استحقاق برخورداری از اصول دادرسی عادلانه را دارند، به طریق اولی مرتکبین تخلفات صنفی و حرفه‌ای نیز از این حقوق برخوردار خواهند بود و در مورد ایشان نیز قابل اعمال است.

به استناد بندهای «ب» تا «ح» ماده ۳۷ آیین‌نامه مذکور، برخی تخلفات مشمول این‌گونه تنبیهات عبارتند از:

تجویزکردن داروهای روان‌گردان و مخدر به گونه‌ای که به حالت اعتیاد درآید (بند «ب»)، تحمیل مخارج غیر ضروری به بیماران (بند «پ»)، عدم انجام اقدامات مناسب و لازم توسط

شاغلین حرفه‌های پزشکی در موارد فوریت‌های پزشکی برای نجات بیمار بدون فوت وقت (بند «ت»)، هرگونه سهل‌انگاری شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته غیر منطبق با موازین علمی، شرعی و قانونی و یا عدم رعایت نظامات دولتی، صنفی و حرفه‌ای در انجام وظایف قانونی (بند «ث»)، فعالیت در صورت اتمام اعتبار و یا ابطال پروانه مطب، صدور گواهی خلاف قانون و موازین علمی (بند «ج»)، فعالیت درمانی آن گروه از مشاغل و حرف پزشکی که در خارج از کشور تحصیل نموده‌اند و مدارک مربوطه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و پروانه قانونی را کسب نکرده باشند (بند «چ»). درج هرگونه تبلیغات در حیطه دارویی، مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی، مکمل‌های غذایی، تجهیزات پزشکی و کلیه خدمات پزشکی، تشخیصی، درمانی و پیشگیری بدون اخذ مجوز کتبی تبلیغات از سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران (بند «ح»).

با بررسی بندهای مختلف ماده ۳۷ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۹۰، مشخص گردید که اکثریت قریب به اتفاق تنبیهات مذکور شامل توبیخ کتبی با درج در نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب تخلف، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور و یا محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور، بسیار مشابه مجازات‌های سالب حیثیت و یا مجازات ممنوعیت از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین هستند و فقط توبیخ کتبی با درج در پرونده، ماهیت صرفاً انتظامی داشته و تنبیه انتظامی محض به شمار می‌رود. بنابراین حساسیت و ضرورت اعمال قواعد و اصول دادرسی عادلانه به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد بیش از پیش مشخص می‌گردد.

از آن روی که مراجع رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی از یکسو متعدد و متنوع هستند و از سوی دیگر به جهت صلاحیت‌ها و اختیاراتی که در رسیدگی‌های انتظامی بدان‌ها داده شده، به گونه‌ای کار قضاوت و دادرسی را انجام می‌دهند و متخلفان پزشکی و حرفه‌های وابسته و نیز در مواردی بیماران ناراضی و شاکی از درمان با این مراجع سروکار دارند، ذکر آن‌ها دست کم به اختصار ضروری است و در این بخش از مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

۳. مراجع رسیدگی‌کننده به تخلفات پزشکی و قوانین مرتبط: مراجع رسیدگی‌کننده به تخلفات پزشکی از مراجع شبه‌کیفری بوده و شامل سازمان تعزیرات حکومتی، شورای رقابت و مراجع مقرر در قانون سازمان نظام پزشکی که خود شامل پنج مرجع دادرسی انتظامی شهرستان، هیأت بدوی انتظامی شهرستان، هیأت تجدید نظر انتظامی استان، هیأت عالی انتظامی استان و دادگاه تجدید نظر مرکز استان می‌باشد، است (۴۰).

تخلفات پزشکی و قوانین و مراجع رسیدگی‌کننده به هر یک از این تخلفات عبارتند از (۴۱):

۱-۳. تخلف اداری: این قسم تخلف، مرتبط با تخلف از اجرای قوانین و مقررات اداری برای پزشکانی است که در استخدام دولت هستند. قوانین مورد استناد در این‌گونه تخلفات، قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۳/۶/۱۶ و همچنین قانون و مقررات انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرای آن مصوب ۱۳۶۵/۵/۵ هیأت وزیران و اصلاحیه‌های بعدی ۱۳۸۴/۱/۱۷ می‌باشد. کلیه مؤسسات دولتی مجری این قوانین بوده و کلیه پزشکان مستخدم دولت، مشمول آن هستند.

۲-۳. تعزیرات: منظور، تخلفاتی است که رسیدگی به آن‌ها به موجب قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در اختیار دولت قرار داده شده و سازمان تعزیرات حکومتی به

طور مستقل یا از طریق کمیسیون ماده ۱۱، صالح به رسیدگی است و کلیه مؤسسات بهداشتی درمانی دولتی و خصوصی را دربر می‌گیرد.

۳-۳. تخلفات حرفه‌ای (انتظامی): مقصود موارد نقض معیارهای حرفه‌ای (صنفی) از سوی پزشکان موضوع قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۹ شورای عالی سازمان نظام پزشکی می‌باشد و سازمان نظام پزشکی و سازمان نظام پرستاری مجریان این قوانین می‌باشند و کلیه پزشکان اعم از شاغلین بخش خصوصی و دولتی را دربر می‌گیرد.

۳-۴. تخلفات بیمه‌ای: آن دسته از تخلفاتی که پزشکان در ارتباط با سازمان‌های بیمه‌گر مرتکب می‌شوند. قانون بیمه همگانی کشور و نیز آیین‌نامه نحوه نظارت بر امور بیمه خدمات درمانی همگانی هیأت وزیران، این‌گونه تخلفات را پوشش داده است و سازمان‌های بیمه‌گر مجری آن هستند و کلیه پزشکان طرف قرارداد سازمان‌های بیمه‌گر، مشمول چنین تخلفات بیمه‌ای هستند.

۳-۵. جرائم: این قسم شامل کلیه مواردی است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و یا قوانین خاص نظیر قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزی و واگیردار مصوب ۱۳۲۰ و اصلاحات آن در سال ۱۳۴۷، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن و نیز ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۴، به عنوان جرم تعریف شده است. مرجع رسیدگی به این‌گونه جرائم دادگاه‌های عمومی و انقلاب حسب مورد بوده و کلیه پزشکان اعم از دولتی و خصوصی را شامل می‌شود.

تعدد قوانین و مقررات و تعدد مراجع شبه‌کیفری به انضمام مراجع کیفری در رسیدگی به تخلفات و جرائم حرف پزشکی، ضرورت رعایت هرچه بیشتر اصول دادرسی عادلانه، انصاف،

عدالت و اخلاق را ایجاب می‌نماید. امری که تاکنون مغفول مانده و صاحبان این حرف را در معرض بی‌عدالتی قرار داده است، چراکه ممکن است مرتکب تخلف واحد به صورت توأمان هم در مرجع کیفری و هم شبه‌کیفری و نیز تحت حکومت قوانین کیفر عمومی توأم با مقررات صنفی محاکمه شده و مورد تنبیه صنفی و مجازات قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

هرچند برخی اصول مهم دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات پزشکان و سایر حرفه‌های وابسته، رعایت شده است، اما با توجه به تنوع و تعدد تخلفات و جرائم ارتكابی از سوی صاحبان این‌گونه مشاغل بر اساس مقررات معتناهی که مصوب شده است، اصول دادرسی مهمی همچون اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، رعایت نگرندیده است. اخلاق، عدالت و انصاف، ایجاب می‌نماید ضمن حفظ مقررات موجود که بدون شک در راستای انتظام‌بخشیدن به این حرفه شریف وضع شده، تحولاتی در راستای اجرای اصول مهم دادرسی عادلانه به ویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، صورت گیرد.

نظر به تعدد تخلفات و مراجع رسیدگی در حیطه حرفه پزشکی و سایر حرفه‌های مرتبط ضروری است مراجع مذکور در نظر داشته باشند که اعمال دو مجازات از مجازات‌های موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به صورت همزمان یا ادغام مجازات‌های دوگانه قانون مزبور، محاکمه دوم و اعمال دو مجازات توسط مراجع رسیدگی‌کننده، در صورتی که تخلف ارتكابی، همزمان عنوان یکی از جرائم موضوع قوانین کیفری را نیز داشته باشد، با اصول دادرسی عادلانه و منصفانه (اصول منع تشدید مجازات و منع محاکمه و مجازات مجدد) سازگار نیست (۲۴) و هیچ یک از نگرانی‌هایی که منجر به پیدایش مراجع قضایی شبه‌کیفری شده‌اند، نمی‌توانند مانع اعمال قواعد دادرسی عادلانه در این مراجع گردند، زیرا نتایج این‌گونه رسیدگی‌ها، اهمیت زیادی بر حقوق افراد داشته به حدی که امروزه اهداف تأسیس مراجع قضایی شبه‌کیفری را تحت‌الشعاع قرار داده است (۴۲) و ممکن است در آینده منجر

به کم‌رنگ‌شدن نقش مراجع شبه‌قضایی و دخالت مجدد نظام کیفری، در این‌گونه موارد تخصصی شود. برای برون‌رفت از این چالش پیشنهادات زیر، مطلوب به نظر می‌رسد:

۱- در مواردی که عمل مرتکب همزمان عنوان مجرمانه کیفری و تخلف انتظامی داشته و هم مجازات و هم تنبیه انضباطی برای فعل واحد وی، در مقررات منظور شده است، قواعد تعدد اعتباری جرائم و محکومیت به مجازات و یا تنبیه اشد اعمال گردد (ماده ۱۳۱ ق.ا.م.ا). برای مثال اگر یک پزشک مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع نماید که علاوه بر ماده ۵۳۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، تبصره ماده ۶ و بند «ج» ماده ۳۷ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰ را نیز نقض کرده است، از بین مجازات‌های حبس بین شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی بین سه تا دوازده میلیون ریال و تنبیهات اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل یا توبیخ کتبی با درج در پرونده و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل یا محرومیت از حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب تخلف و یا محرومیت به مدت سه ماه تا یک سال در تمام کشور، تنها به مجازات و یا تنبیه اشد محکوم گردد (اصل منع مجازات مجدد).

۲- در مواردی که رفتارهای متعدد و متنوع مرتکب، هر یک جرم و یا تخلف جداگانه محسوب است، قواعد مربوط به تعدد مادی جرائم (ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی) و با همان سیاق تا سه فقره و بیش از سه فقره، ملاک قرار گیرد و ضمن رسیدگی مرجع قضایی و شبه‌قضایی و صدور احکام در این مراجع به صورت جداگانه، تنها مجازات یا تنبیه اشد، در مورد مرتکب اجرا شود.

۳- چنانچه عمل واحد مرتکب عناوین مختلف مجرمانه، انتظامی و اداری و... دارد، اولین مرجع صالح اعم از کیفری و شبه‌کیفری که زودتر شروع به رسیدگی نموده است، محاکمه را ادامه دهد و حکم صادره از آن اعم از برائت و یا محکومیت اعتبار امر

مختومه داشته و امکان طرح مجدد دعوی علیه مرتکب در همان تخلف یا جرم در مراجع دیگر متصور نباشد (اصل منع محاکمه مجدد)؛ بدیهی است در صورت تخلف از این قاعده، مرتکب محق به ایراد عدم رعایت اصل منع محاکمه مجدد و در نهایت تقاضای مختومه‌شدن پرونده جدید است.

پیشنهادهای فوق می‌تواند با الحاق موادی به آیین‌نامه مذکور با این مضامین که «چنانچه عمل مرتکب، مجازات یا تنبیه شدیدتری در قوانین و مقررات دیگر داشته باشد، به همان مجازات یا تنبیه محکوم خواهد شد» و «چنانچه جرائم و تخلفات ارتكابی بیش از سه فقره نباشد، حداقل مجازات یا تنبیه هر یک از آن، بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات و تنبیه مقرر قانونی است و چنانچه جرائم و تخلفات ارتكابی بیش از سه فقره نباشد، مجازات و یا تنبیه هر یک، حداکثر مجازات یا تنبیه قانونی آن جرم یا تخلف است و در هر حالت فقط مجازات و یا تنبیه اشد صادره از مراجع قضایی و شبه‌قضایی، اجرا می‌گردد»، عملیاتی گردد.

بدیهی است حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی بر خسارات وارده ناشی از عمل مرتکب، از این قواعد، مستثنی است.

مراجع شبه‌قضایی نظیر هیأت‌های انتظامی رسیدگی‌کننده به تخلفات انتظامی پزشکان، در این حالت کمافی السابق وظایف خود را انجام داده و با ارتباطی که با مرجع قضایی دارند، ضمن رسیدگی انتظامی به تخلف مرتکب، از اعمال تنبیه به علاوه مجازات علیه وی، ممانعت خواهند کرد و هدف اجرای عدالت و اخلاق نیز حاصل خواهد شد.

نگارنده واقف است تعیین ملاک و تشخیص مجازات و تنبیه اشد و مقایسه مجازات‌ها و تنبیهات جهت شناسایی واکنش اشد علیه مرتکب، دشوار است، اما می‌تواند موضوع تحقیق جداگانه باشد، گرچه برخی حقوقدانان، ملاک‌هایی در تشخیص مجازات اشد بیان نموده‌اند که می‌توان آن‌ها را به تنبیهات انتظامی نیز تسری داد.

لازم به ذکر است کلیه جرائم و تخلفات و نیز مجازات‌ها و تنبیهات قطعی صادره علیه مرتکب که با اعمال قواعد پیشنهادی، از محاکمه و یا اجرای آن‌ها ممانعت می‌شود،

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

حسب مورد، در پرونده سازمانی و یا سبج کیفری مرتکب، ثبت خواهد شد.

امید است اعمال پیشنهادات مذکور و نیز رفع موانع پژوهش نظیر عدم دسترسی آسان محققین به پرونده‌های تخلفات در نظام پزشکی کشور و امکان مشاهده و بهره‌برداری علمی از آرای صادره از مراجع شبه قضایی متعددی که در این خصوص، سهیم هستند، بیش از پیش به گسترش عدالت و رعایت اخلاق و انصاف کمک نماید.

لازم به ذکر است این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در تخلفات اداری و انتظامی»، می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

حکیمه فرنام: جمع‌آوری مطالب و نگارش متن.
محمدعلی مهدوی ثابت: طرح اولیه موضوع و بازبینی و اصلاح متن.
محمد آشوری و علی صفاری: راهنمایی و نظارت در نگارش مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Yousefi MR, Mahdavi Sabet MA. A comparative study of the criminal territory in traffic violations in Iran's legal system and the practice of the European Court of Human Rights. *Comparative Law Studies*. 2015; 7(2): 805-821. [Persian]
2. Delmas-Marty M. The grand systems of criminal politics. 1st ed. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publications; 2002. p.51. [Persian]
3. Babaei MA, Mahdavi D. The criminal domain and its place in Iran's legal system. *Doctrines of Criminal Law*. 2012; 9(3): 101-128. [Persian]
4. Trystan L. Principe ne bis in idem: D'une cacophonie jurisprudentielle à une reconstruction à quatre mains. 2017. Available at: <https://www.core.ac.uk/download/pdf/132091248.pdf>. Accessed March 29, 2023. [French]
5. Chacornac J. L'articulation des repressions Comment résoudre le problème de non bis in idem?. 2019. Available at: <https://www.cairn.info/revue-de-science-criminelle-et-de-droit-penal-compare-2019-2-page-333.htm&wt.src=pdf>. Accessed April 4, 2023. [French]
6. CEDH 29 sept. 2020. Fallier et Steinmetz v. France. [French]
7. CEDH 10 February. 2009. ZOLOTUKHIN v. RUSSIA.
8. CEDH 4 mars 2014. Grande Stevens et a. v. Italy. [French]
9. CEDH 27 August 2002. Didier v. France. [French]
10. Fucini S. Principe non bis in idem: Inapplicabilité aux procédures disciplinaires. 2020. Available at: <https://www.dalloz-actualite.fr>. Accessed November 20, 2020. [French]
11. Ardabili MA. General criminal law. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2012. Vol.1 p.177. [Persian]
12. Farnam H. The principles of fair proceedings in the rules and regulations of the Dispute Resolution Council. 1st ed. Tehran: Author Publisher; 2012. p.50-55. [Persian]
13. Saffari A. Criminology, developments, foundations and implementation of the penalty of deprivation of liberty. 4th ed. Tehran: Jungle Publications; 2008. p.41. [Persian]
14. Noorbaha R. The field of general criminal law. 20th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 2007. p.67. [Persian]
15. Khaleghi A. Code of Criminal Procedure. 29th ed. Tehran: Shahr-e Danesh; 2014. Vol.1 p.116. [Persian]
16. Lotfi AR, Dehghanian R. The principle of equality in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Epistemological Studies Quarterly in Islamic University*. 2018; 23(4): 763-778. [Persian]
17. Zeraat A. Iran's criminal procedure based on principles and rules. Tehran: Daneshpazir Cultural and Art Institute; 2013. p.78-79. [Persian]
18. Mohammadnejad H. The theory of public service and its governing principles in Iran's laws and judicial procedure. *Bi-Quarterly Journal of Administrative Law*. 2015; 3(10): 104-128. [Persian]
19. Ashouri M. Code of Criminal Procedure. Tehran: Samt Publications; 2015. Vol.1 p.25. [Persian]
20. Ansari B. Privacy and its protection in Islamic, comparative and Iranian law. *Journal of Faculty of Law and Political Sciences*. 2004; 66: 1-54. [Persian]
21. Beccaria C. Treatise on crimes and punishments. Translated by Ardabili MA. 2nd ed. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 1995. p.105. [Persian]
22. Montesquie CHL. Spirit of law. Translated by Mohtadi AA. 4th ed. Tehran: Haj Mohammad Hosein Iqbal and Associates Nesbi Publishing House; 1976. p.207. [Persian]
23. Pradel J, Corstens G. Criminal law of the Council of Europe. Translated by Ashouri M. Tehran: Khorsandi; 2015. p.34. [Persian]
24. Nekoï M. Pathology of the opinions of the administrative violation boards of employees from the perspective of the principles of fair proceedings (with an emphasis on the opinions of the Administrative Court of Justice). *Scientific Quarterly of Modern Administrative Law Research*. 2021; 3(9): 189-215. [Persian]
25. Akhundi M. Identification of criminal procedure. The sixth office. Prosecutor's office and indictment. Tehran: Dor Andishan; 2013. p.171. [Persian]
26. Bahrami B. Description and criticism of the law on revitalization of courthouses. 1st ed. Tehran: Behnami Publications; 2002. p.40. [Persian]
27. Mohseni H. The principle of access to justice and the right to sue the government. *Private Law Studies Quarterly*. 2016; 47(3): 531-550. [Persian]
28. Ashouri M. Criminal justice (collection of articles). 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 1997. p.135-136. [Persian]

29. Hashemi SM. human rights and concepts of equality, fairness and justice. Tehran: Criminal Science and Criminology Research Institute, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran; 2004. p.186. [Persian]
30. Khaleghi A. Code of Criminal Procedure. 29th ed. Tehran: Shahr-e Danesh; 2014. Vol.2 p.78. [Persian]
31. Ashouri M. Code of Criminal Procedure. Tehran: Samt Publications; 2018. Vol.2 p.411. [Persian]
32. Akhoundi M. Code of Criminal Procedure. 6th ed. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. Vol.2 p.186-187. [Persian]
33. Khazani M. Criminal process (collection of articles). 1st ed. Tehran: Ganje Danesh; 2000. [Persian]
34. Michiels O, Falque G. Le principe non bis in idem: Quand le droit belge intègre les soubresauts du droit européen?. 2019. Available at: <https://www.core.ac.uk/display/286385921?source=4>. Accessed March 29, 2023. [French]
35. Stefani G, Levasseur G, Bullock B. Code of Criminal Procedure. Translated by Dadban H. 1st ed. Tehran: Allameh Tabatabayi University Publications; 1998. Vol.1 p.121-122. [Persian]
36. Ashouri M. Code of Criminal Procedure. 7th ed. Tehran: Samt Publications; 2002. Vol.1 p.209. [Persian]
37. Rahmdel M. Prohibition of aggravating the punishment at the appeal stage. Justice Journal. 2009; 73(67): 13-37. [Persian]
38. Tari Verdi S, Abbasi M. Principles of fair proceedings in administrative courts and board's Medical police. Medical Law Quarterly. 2009; 3(9): 113-148. [Persian]
39. Ardabili MA. General Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2019. Vol.3 p.102. [Persian]
40. Bagheri Motlagh N, Ghasemi Hamed A. Quasi-judicial authorities dealing with violations committed in the provision of health system services. Medical Law Quarterly. 2018; 13(51): 177-205. [Persian]
41. Joudaki H, Rashidian A, Milanifar AR. Studying the laws related to dealing with medical malpractice in Iran. Medical and Legal Scientific Journal. 2010; 16(3): 215-223. [Persian]
42. Fardoust GH, Rajabi A, Rajabieh MH, Golkhandan S. Fair proceedings in the light of moral principles in quasi-judicial criminal authorities. Journal of Biological Ethics. 2021; 11(36): 1-16. [Persian]